

## نویافته‌هایی از تاریخ و میراث (۲)

احمد خامه‌یار\*

### چکیده

نگارنده چند نکته و نویافته در باب تاریخ تشیع، از قرن دوم تا یازدهم در پنج عنوان آورده است: تشیع مَعْن بن زانده شیبانی (متوفی ۱۵۱ قمری)؛ تَلَمَذ ریحان شیبانی (قرن ششم) نزد علمای شیعه شام؛ تمایلات شیعی ابن مستوفی مؤلف تاریخ اربل (قرن ششم و هفتم)؛ احتمال تشیع غرس الدین اربلی (متوفی ۶۷۹ در دمشق)؛ کتابت دو مجموعه رجالی در جبل عامل توسط ملا عبدالله شوشتری (متوفی ۱۰۲۱) محفوظ در کتابخانه آیت الله مرعشی.

### کلید واژه

شیبانی، مَعْن بن زانده؛ حبشی، ریحان؛ ابن مستوفی؛ اربلی، غرس الدین؛ شوشتری، ملا عبدالله؛ تاریخ تشیع.

## تشیع مَعْن بن زانده در روایت داستانی ازدواج حسین بن زید بن امام زین‌العابدین (علیه السلام)

ابوالولید مَعْن بن زانده شیبانی (مقتول در ۱۵۱ ق) از امرای مشهور عرب در اواخر دوره اموی و اوایل دوره عباسی و از شخصیت‌هایی است که به جود و کرم و سخاوت خود، شهرت داشته است. او در دوره اموی، از امرای یزید بن عمر بن هبیره، والی عراقین عرب و عجم بود. پس از

\* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، پژوهشگر حوزه تاریخ و میراث اسلامی.



روی کار آمدن عباسیان، مورد تعقیب منصور قرار گرفت و خود را پنهان کرد. اما در روزی که خراسانیان و ریوندیان علیه منصور شورش کردند و قصد کشتن او را داشتند، ناگهان معن بن زائده آشکار شد و با خراسانیان به مبارزه پرداخت و باعث شکست آنها شد. از این رو مورد احترام و تکریم منصور قرار گرفت و او را به ولایت یمن و پس از مدتی به ولایت سیستان گماشت. تا اینکه روزی گروهی از خوارج به طور سرزده وارد خانه وی شده و او را به قتل رساندند.<sup>۱</sup>

قاضی ابوالفرج معافی بن زکریای نهروانی (۳۰۳-۳۹۰ ق)، ادیب و فقیه برجسته سده چهارم، روایت داستانی نسبتاً مفصّلی درباره داستان ازدواج حسین بن زید بن امام زین العابدین (علیه السلام) نقل کرده است که از آن، تشیع معن بن زائده یا لاقل دوستی و علاقه وی به امام صادق (علیه السلام) و علویان برداشت می‌شود. نهروانی این گزارش را به نقل از محمد بن احمد بن سعید کوفی، به نقل از احمد بن یوسف بن یعقوب بن حمزه بن زیاد جُعیفی، به نقل از سلیمان بن مُقبل هاشمی مدنی، به نقل از سلیم بن جعفر جعفری، و او از حسین بن زید روایت کرده است.<sup>۲</sup> همین گزارش را مجدالدین فیروزآبادی (درگذشته ۸۱۷ ق) صاحب قاموس المحيط، با اختلافات اندکی در متن آن، به نقل از نهروانی، «به سند وی تا سلیمان بن جعفر جعفری به نقل از حسین بن زید» روایت کرده است.<sup>۳</sup>

در بررسی رجال سند روایت نهروانی، «محمد بن احمد بن سعید کوفی» ظاهراً تصحیف نام «احمد بن محمد بن سعید کوفی» است و در این صورت، این شخص، کسی جز محدّث مشهور، ابن عقده کوفی (۲۴۹-۳۳۲/۳۳۳ ق) نیست. احمد بن یوسف بن یعقوب جُعیفی نیز در منابع رجالی شیعه مهمل است؛ اما از مشایخ ابن عقده بوده و گویا کتابی هم داشته است.<sup>۴</sup> همچنین سلیمان بن مقبل مدنی از محدّثان شیعه است که شیخ طوسی از وی در شمار اصحاب امام کاظم (علیه السلام) یاد کرده و نام وی در اسانید برخی از روایات<sup>۵</sup> (در شماری

۱ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۷، ص ۹۷-۹۸.

۲ المجلس الصالح الکافی والانیس الناصح الشافی، ج ۱، ص ۴۵۳.

۳ المغانم المطابة فی معالم طابة، ج ۳، ص ۹۷۰.

۴ بنگرید: رجال نجاشی، ص ۱۱ و ۱۲۷؛ الغیبة نعمانی، ص ۵۱.

۵ از جمله: امالی شیخ صدوق، ص ۳۵ و ۵۶ و ۳۹۰ و ۶۰۷.

از این روایات با نسبت مدائنی<sup>۱</sup> اص به چشم می‌خورد. سلیمان بن جعفر جعفری نیز (که نام وی در نسخه چاپی کتاب نهروانی به صورت سلیم ذکر شده)، در مابع رجالی در شمار اصحاب امام کاظم (علیه السلام) یا امام رضا (علیه السلام) از وی یاد شده است.

خلاصه روایت فوق آن است که حسین بن زید بن امام زین العابدین (علیه السلام) در دامان امام صادق (علیه السلام) بزرگ شد تا به سن ازدواج رسید. آنگاه امام (علیه السلام) به او پیشنهاد کرد که با کلثم بنت عبدالله ارقط ازدواج کند که بهره‌ای از مال و جمال داشت. اما از آنجایی که حسین بن زید دارایی چندانی نداشت، امام (علیه السلام) او را سفری سه ماهه به یمن فرستاد و برای وی توصیه‌نامه‌ای نوشت تا در سفر یمن، آن را به معن بن زائده، که در آن زمان والی صنعاء بود، تحویل دهد. حسین بن زید پس از رسیدن به یمن، نخست در مجلسی عمومی بر معن بن زائده وارد شد و خود را معرفی کرد. معن برآشفته و از حضور حسین در آنجا اظهار انزجار و بیزارگی کرد. اما پس از اینکه حسین به منزلگاه خود بازگشت، معن شب هنگام و به تنه‌سایی به دیدار وی رفت و دست و سرش را بوسید و از وی طلب بخشش کرد و پس از دیدن مکتوب و توصیه‌نامه امام (علیه السلام)، هدایایی از جمله بیست هزار دینار و ده شتر و چندین جامه به وی بخشید. حسین نیز پس از چندی با توشه خود به حجاز بازگشت و در مدینه منزلی برای خود ساخت و به مراد خود نیز رسید.<sup>۲</sup>

همان‌گونه که اشاره شد، یک نکته تاریخی مهم گزارش فوق آن است که این گزارش، تصویری از معن بن زائده به عنوان شخصی شیعه و دوستدار امام صادق (علیه السلام) به دست داده است که همانند شخصیت‌های شیعه دیگری در آن دوره همچون علی بن یقطین، از صاحب‌منصبان دربار هارون الرشید، یا جمیل بن درّاج، قاضی بغداد، تشیع خود را پنهان می‌کردند. با این حال، منابع شیعه برخلاف شخصیت‌های دیگر همچون علی بن یقطین و جمیل بن درّاج که تشیع آنها در منابع شیعه مورد تأکید قرار گرفته، در این منابع و سایر منابع تاریخی، هیچ اشاره‌ای به تشیع وی نشده است. بلکه با توجه به روابط و همکاری‌های

۱ الکافی، ج ۶، ص ۶؛ المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۶؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲ الجلیس الصالح الکافی والانیس الناصح الشافی، ج ۱، ص ۴۵۳-۴۵۶.

مستحکم وی با دو دستگاه اموی و عباسی و دفاع و حمایتش از منصور عباسی، باید در پذیرش تشیع وی بر اساس روایت فوق با احتیاط برخورد کرد.

### بررسی امکان تلمذ ریحان حبشی نزد علمای شیعه شام

«ریحان حبشی» از علمای برجسته شیعه دوازده امامی در دوره خلافت فاطمی در مصر بوده که به گفته منابع تاریخی، در حدود سال ۵۶۰ ق از دنیا رفته است. در شماری از منابع متأخر تراجم اعلام شیعه اشاره شده است که وی از سه تن از علمای شیعه شام یعنی ابوالصلاح حلبی (درگذشته ۴۴۷ ق)، شیخ کراچکی (درگذشته ۴۴۹ ق) و عبدالعزیز بن ابی کامل روایت نقل کرده و در واقع شاگرد آنها بوده است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که این ادعا را نخستین بار شیخ حر عاملی مطرح کرده و سپس، مؤلفان بعدی نیز آن را تکرار کرده‌اند.

آقای جعفر المهاجر با استناد به سخن فوق، در تک‌نگاری خود درباره شیخ کراچکی، از ریحان حبشی به عنوان یکی از شاگردان کراچکی یاد کرده. او با این حال به این نکته توجه داشته که در صورت درستی این قول که ریحان حبشی در حدود سال ۵۶۰ ق از دنیا رفته، میان طبقه وی و سه عالم شیعی یاد شده فاصله زمانی زیادی وجود دارد که عملاً امکان تلمذ وی نزد آنها را منتفی می‌سازد.<sup>۲</sup> البته نکته مورد اشاره آقای مهاجر، درباره ابوالصلاح حلبی و کراچکی کاملاً درست است؛ اما درباره عبدالعزیز بن ابی کامل، شاگرد ابن براج طرابلسی (درگذشته ۴۸۱ ق)، می‌تواند درست نباشد.

به هر حال، جعفر المهاجر با این توجیه که نویسندگان شیعه اشراف و آگاهی بیشتری به سیره علمی ریحان حبشی و سلسله‌های اجازات علمای شیعه دارند، برای دفاع از درستی آنچه نویسندگان شیعه نوشته‌اند، خود را به تکلف انداخته است که عبارت «سنتین» (۶۰) در تاریخ تقریبی وفات ریحان حبشی (۵۶۰) ممکن است تصحیف عبارت «سنتین» (۲) و بنابراین، تاریخ تقریبی وفات ریحان حبشی می‌تواند سال ۵۰۲ ق باشد و در این صورت تلمذ ریحان حبشی نزد ابوالصلاح و کراچکی امکان‌پذیر است.<sup>۳</sup>

۱ امل الآمل، ج ۲، ص ۱۲۰؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۴۰.

۲ الكراچکی، جعفر المهاجر، ص ۱۱۳.

۳ همانجا.

بی‌تردید این تکلف آقای مهاجر وجهی از اعراب ندارد؛ چراکه اولاً در زبان عربی، برای عدد ۲ در رقم یکان سال‌ها، نه کلمه «سنتین»، بلکه همواره کلمه «اثنین» به کار می‌رود. دلیل دوم برای رد این تکلف آن است که در زندگی‌نامه‌ای که ابن ابی طیبی حلبی برای ریحان حبشی در تاریخ مفقود خود به دست داده و ذهبی در تاریخ خود نقل کرده، به صراحت اشاره شده است که ریحان حبشی، فقه را نزد علی بن عبدالله بن عبدالعزیز بن کامل مصری فرا گرفت و در سال ۵۳۴ ق نزد وی کتاب النهایة شیخ طوسی را قرائت کرد؛<sup>۱</sup> و ظاهراً این شخص در منابع شیعه به عبدالعزیز بن ابی کامل طرابلسی تبدیل شده است.

همچنین در همین زندگی‌نامه آمده است که سدیدالدین شاذان بن جبرئیل قمی از ریحان روایت نقل کرده است؛<sup>۲</sup> و می‌دانیم که شاذان از اعلام سده ششم بوده و با دیگر علمای این دوره همچون ابن شهر آشوب، عبدالله بن زهره حلبی و ابن مشهدی ارتباطات علمی داشته<sup>۳</sup> و بنابر این معاصر ریحان بوده است. نیز ابن ابی طیبی اشاره کرده است که ریحان حبشی بسیار مورد احترام الصالح طلائع بن رزیک (مقتول در ۵۵۶ ق) بوده<sup>۴</sup> و با توجه به اینکه ابن رزیک در سال‌های ۵۴۹-۵۵۵ ق منصب وزارت خلیفه فاطمی الفائز (حکومت: ۵۴۹-۵۵۵ ق) را عهده‌دار بوده، بنابر این احتمال وفات ریحان حبشی در حدود سال ۵۶۰ ق مطابق با داده‌های تاریخی است و امکان تلمذ وی نزد علمای شیعه شام همچون ابوالصلاح حلبی و کراچکی منتفی است.

### تمایلات شیعی ابن مستوفی مؤلف تاریخ اربل

شرف‌الدین ابوالبرکات مبارک بن احمد بن مبارک بن موهوب لخمی اربلی معروف به ابن مستوفی (۵۶۴-۶۳۷ ق)، ادیب، شاعر و مورخ مشهور اربل (شهر اربیل کنونی در کردستان عراق) در اواخر دوره عباسی است. او مستوفی و متولی امور دیوانی حاکم اربل ملک المظفر کوبوری (درگذشته ۶۳۰ ق) بود و این منصب را از پدرش و او نیز از برادر و پدر خود به ارث برده بود. ابن مستوفی پس از تصرف اربل به دست مغولان، به موصل مهاجرت کرد و

۱ تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۱۲، ص ۱۹۵.

۲ همان، ج ۱۲، ص ۱۹۶.

۳ طبقات اعلام الشيعة، ج ۴، ص ۱۲۸.

۴ تاریخ الاسلام، همانجا.



سال‌های پایانی عمر خود را در این شهر سپری کرد. ابن مستوفی دارای رسائل و تألیفاتی ادبی از جمله النظام فی شرح شعر الممتنی و ابی تمام و نیز دارای دیوان شعر بوده است. اما بیشتر شهرتش را وامدار تألیف تاریخی ارزشمند خود تاریخ اربل است که از تواریخ محلی مهم شهرهای عراق در سده هفتم به شمار می‌آید.

اربل از جمله شهرهایی است که در سده‌های ششم و هفتم، شخصیت‌های شیعه‌ای را از این شهر سراغ داریم که به نوعی نشان‌گر نفوذ تشیع در آن است. مشهورترین شخصیت شیعه اربل در این دوره، بهاء‌الدین علی بن عیسی اربلی (درگذشته ۶۹۳ ق)، ادیب برجسته و صاحب کتاب کشف الغمّة در تواریخ ائمه دوازده‌گانه است. از دیگر شخصیت‌های شیعه اربل در این دوره می‌توان به یوسف بن نفیس اربلی اشاره کرد که ابن شّعار موصلی (درگذشته ۶۵۴ ق)، از وی با تعبیر «کان شیعیاً مغالیاً شدید الرّفص» یاد کرده است.<sup>۱</sup>

ابن مستوفی، اگرچه در ظاهر به تشیع شهرت نداشته، اما بی‌تردید دارای تمایلات شیعی و علاقه شدید به اهل بیت (علیه السلام) بوده است. تمایلات شیعی وی به بهترین وجه در برخی اشعار وی، که خوشبختانه نمونه‌هایی از آنها به واسطه ابن شّعار به دست ما رسیده، آشکار می‌شود. ابن مستوفی قصیده‌ای در مدح اهل بیت (علیه السلام) دارد که در آن، به برخی از فضائل امیر مؤمنان علی (علیه السلام) اشاره کرده و به ذمّ معاویه پرداخته است. روح شیعی چنان بر این قصیده غالب است که کاتب نسخه قلاند الجمان ابن شّعار، در حاشیه متن نسخه خطی، سراینده این اشعار را مورد حمله قرار داده و او را دروغگو و مستوجب آتش خوانده است!<sup>۲</sup> این قصیده با مطلع زیر آغاز می‌شود:

ما عَلَى الرَّكْبِ لَوْ أَنَاخُوا الْمَطَايَا قَبْلَ أَنْ يُزْمِعُوا بَلِيلَ مُضَيَّا

برخی از ابیات آن که به وضوح تمایلات شیعی ابن مستوفی را نشان می‌دهد، به شرح زیر

است:

كَيْفَ يَجْفُونَ حُبَّ مَنْ أَنْزَلَ اللَّهُ كِتَاباً بِفَضْلِهِ عَرَبِيًّا

۱ قلاند الجمان فی فوائد شعراء هذا الزمان، مجلد ۸، ص ۳۰۴.

۲ همان، مجلد ۵، ص ۴۳.

كَانَ بَرًّا عَلَى الْوَلِيدِ شَفِيقًا      وَهَزْبَرًا عَلَى الْعَدُوِّ جَرِيًّا  
بَدَّلُوا الدِّينَ بَعْدَ مَوْتِكَ أَقْوَا      مُمْ أَضَاعُوهُ فَابْتَدَأَ جَاهِلِيًّا<sup>۱</sup>

صلاح‌الدین صفدی (درگذشته ۷۶۴ ق) نیز در یکی از آثار ادبی خود، دو بیت شعر از ابن

مستوفی را در رثای امام حسین (علیه السلام) به شرح زیر نقل کرده است:

أَتَجِدُ قَتْلَهُ وَتَرَاهُ إِثْمًا      وَقَدْ أَقْبَلْتَهُ بِاللَّطْفِ شَمْرًا  
وَتَقْرَعُ بِالْقَضِيبِ ثَنِيَّتِيهِ      أَرَاكَ أَتَيْتَهَا نِكْرًا<sup>۲</sup> بَكَرًا

گرایش شیعی ابن مستوفی، حتی از دید مصحح مجلد نویافته از تاریخ اربل که به تراجم شعرا اختصاص دارد، مخفی نمانده است. چنانکه ابن مستوفی در ذیل زندگی‌نامه محمد بن حسین شروبی موصلی (زنده در ۶۲۴ ق)، - که بیشتر اشعار وی در مدح صحابه پیامبر (ص) بوده و از این رو به گفته ابن شعّار، وی به لقب «شاعر صحابه» شهرت داشته،<sup>۳</sup> - هیچ یک از سروده‌های وی در مدح صحابه را نقل نکرده است. از این رو بشار عواد معروف، مصحح کتاب، در پاورقی، علت احتمالی این مسئله را تشیع ابن مستوفی دانسته است.<sup>۴</sup>

نکته دیگر در ارتباط با گرایش شیعی ابن مستوفی آن است که مرحوم سید محسن امین، در ذیل زندگی‌نامه اسعد بن ابراهیم بن حسن بن علی اربلی، به وجود نسخه‌ای از کتاب اربعین ابن دحیه کلبی (درگذشته ۶۳۳ ق) اشاره کرده که حاوی احادیثی در فضائل امام علی (علیه السلام) است و احادیث موجود در این کتاب، بر تشیع مؤلف آن دلالت دارد. اما نکته‌ای که در اینجا برای ما اهمیت دارد آن است که در بلاغ سماع پایان این نسخه آمده است که اسعد بن ابراهیم اربلی، این احادیث را نزد مؤلف آن ابن دحیه، به قرائت «مبارک بن موهوب اربلی»، در سال ۶۱۰ ق شنیده است.<sup>۵</sup> ظاهراً این مبارک بن موهوب، کسی نیست جز ابن مستوفی مؤلف تاریخ اربل که در اینجا با حذف دو واسطه در نسب وی، به جدش موهوب نسبت داده شده؛ و این مسئله شاهد دیگری بر تمایلات شیعی ابن مستوفی است.

۱ همانجا.

۲ تمام المتن فی شرح رسالة ابن زیدون، صفدی، ص ۲۰۵.

۳ قلاند الجمان فی فوائد شعراء هذا الزمان، ج ۶، ص ۱۴۹.

۴ تاریخ اربل، ص ۴۸۸.

۵ اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۲۹۴.



## غرس الدین اربلی و احتمال تشیع وی

غرس الدین ابوبکر بن محمد بن ابراهیم اربلی (درگذشته ۶۷۹ ق در دمشق)، از شعرای سده هفتم هجری است که درباره وی آگاهی‌های چندانی در دست نیست. تنها در شماری از منابع تاریخی شام در دوره مملوکی، زندگی‌نامه مختصری از وی ارائه و قطعاتی از قصاید وی نقل شده است.<sup>۱</sup> قطب‌الدین یونینی در توصیف وی نوشته است: «كان دیناً خیراً صالحاً، حسن العقیده، کثیر الذکر والتلاوة، عنده فضیلة تامّة، ومعرفة بالنحو والعربیة، وحلّ المترجم، مقتدر علی النظم وعمل الالغاز». همو برای غرس الدین اربلی از اثر منظومی به عنوان الالفیة فی الالغاز المخفیة نام برده که موضوع آن، هزار لغز در هزار اسم بوده است.<sup>۲</sup>

همچنین از اشاره یونینی در ذیل زندگی‌نامه عزالدین حسن بن محمد اربلی (درگذشته ۶۶۰ ق)، شاعر و فیلسوف نابینا برمی‌آید که غرس الدین اربلی شاگرد وی بوده است.<sup>۳</sup> درباره عزالدین اربلی اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که شماری از مورخان اهل سنت، وی را به «رفض»<sup>۴</sup> و در عین حال به کفر و زندقه و فساد عقیده متهم کرده‌اند.<sup>۵</sup> اگرچه یونینی، درجه تشیع وی را تفضیل امام علی (علیه السلام) بر سه خلیفه دیگر (در عین احترام به آنها) تعیین کرده؛<sup>۶</sup> اما مرحوم سید محسن امین با استناد به اقوال مورخان اهل سنت، از وی به عنوان یکی از اعلام شیعه یاد کرده است.<sup>۷</sup>

در منابعی که شرح حال غرس الدین اربلی را به دست داده‌اند، اشاره‌ای به مذهب و عقیده وی نشده است، اما شمس‌الدین جزّری (درگذشته ۷۳۸ ق)، در ذیل زندگی‌نامه مجدالدین عبدالرحیم بن ابی‌بکر جزّری شافعی صوفی (درگذشته ۶۹۸ ق)، قصیده‌ای را از سروده‌های غرس الدین اربلی نقل کرده است که شماری از ابیات آن به وضوح می‌تواند بیانگر اعتقادات

۱ از جمله بنگرید: ذیل مرآة الزمان، یونینی، ج ۴، ص ۷۹-۸۵؛ الوافی بالوفیات، صفدی، ج ۱۰، ص ۱۵۶ (چاپ دار احیاء التراث العربی)؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، ج ۱۵، ص ۳۸۰.  
 ۲ ذیل مرآة الزمان، ج ۴، ص ۷۹.  
 ۳ همان، ج ۲، ص ۱۶۷.  
 ۴ تاریخ الاسلام، ج ۱۴، ص ۹۳۰؛ نکت الهمیان فی نکت العمیان، صفدی، ص ۱۴۲.  
 ۵ ذیل مرآة الزمان، ج ۲، ص ۱۶۵؛ تاریخ الاسلام، همانجا.  
 ۶ ذیل مرآة الزمان، ج ۲، ص ۱۶۸.  
 ۷ اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۷؛ و نیز: ج ۶، ص ۱۴۲ با تصحیف نام وی به حسین.



شیعی این شاعر، یا لاقل گرایش و محبت شدید وی نسبت به اهل بیت (علیه السلام) باشد. ابیات مورد نظر، به شرح زیر است:

ثمّ والهادی وعترته	ما جرى فی ذاک من دَنسی
آل بیت المصطفی عددی	وهموا دینی ومُعتقدی
وعلیهم کلّ معتمدی	حین تمضی الروح عن جسدی
ویواری تحت حفرته	فهم فی وحدتی انسی
بُغیتی یا قوم أو املی	أن اکن عبداً لعبد علی
فهو لی مولا ونعم ولی	وأنا هو الفرس فاسمعوا لی
ما نهانی عن محبته	غیر نذل الأصلِ أو نجسی

### ملا عبدالله شوشتری و کتابت دو مجموعه رجالی در جبل عامل

عبدالله بن حسین تستری معروف به ملا عبدالله شوشتری (درگذشته ۱۰۲۱ ق)، از علمای برجسته دوره صفوی و معاصر شاه عباس کبیر (حکومت: ۹۹۶-۱۰۳۸ ق) است که مدرسه ملا عبدالله اصفهان در ضلع شمالی میدان نقش جهان را به جهت تدریس وی ساخته است. او شاگرد علمای بزرگی همچون مقدّس اردبیلی (درگذشته ۹۹۳ ق) و نعمه الله بن احمد بن خاتون عاملی بوده است و علمای برجسته‌ای همچون سید مصطفی حسینی تفرشی صاحب نقد الرجال و محمدتقی مجلسی اول از شاگردان وی بوده‌اند.<sup>۱</sup>

ملا عبدالله شوشتری سفری به جبل عامل داشته و چندی در برخی از روستاهای این منطقه اقامت گزیده که و به نظر می‌رسد این سفر، حتی از دید علمای دوره صفوی که شرح حال وی را نگاشته‌اند، همچون شیخ حرّ عاملی، میرزا عبدالله افندی و حتی شاگردش تفرشی پنهان مانده است؛ یا اینکه لاقل به این سفر اشاره نکرده‌اند.<sup>۲</sup> اگرچه در اجازه‌ای که احمد بن نعمه الله بن خاتون عاملی به وی داده و علامه مجلسی متن آن را نقل کرده، آمده است که ملا عبدالله پس از سفر حج خود به روستای عینا در جبل عامل - زادگاه ابن خاتون عاملی - آمده و از وی درخواست اجازه کرده است.<sup>۳</sup>

۱ ریاض العلماء، ج ۳، ص ۱۹۵-۱۹۶.

۲ نقد الرجال، ج ۳، ص ۹۹؛ امل الآمل، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ ریاض العلماء، همانجا.

۳ بحار الانوار، ج ۱۰۶، ص ۸۸-۸۹.



اما نکته مهم در ارتباط با سفر ملا عبدالله تستری به جبل عامل، وجود دو مجموعه رجالی است که به خط وی، در سال‌های ۹۸۷-۹۸۸ ق در روستاهای این منطقه کتابت شده است و این هر دو مجموعه، در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می‌شود. مجموعه نخست، به شماره ۶۹۳۹، شامل فهرست شیخ طوسی (برگ ۱ پ - ۵۱ ر) و فهرست منتجب‌الدین رازی (برگ ۵۱ پ - ۷۰ پ) است که کتاب اول به خط نستعلیق و به قلم ملا عبدالله شوشتری، در روستای عینا در دهه سوم ماه ربیع الثانی سال ۹۸۷ ق کتابت شده است.<sup>۱</sup> کتاب دوم نیز بخش آغازین آن به خط نستعلیق و به قلم همو، و بخش پایانی آن به خط نسخ و به قلم علی بن یونس کتابت شده و کاتب (علی بن یونس)، در پایان آن اشاره کرده است که این کتاب را از روی دست خط نعمة الله بن خاتون عاملی و ملا عبدالله شوشتری استنساخ کرده و ابن خاتون، در جبل عامل به ملا عبدالله شوشتری اجازه روایت داده است.<sup>۲</sup> در ادامه نیز، یک بار دیگر فهرست منتجب‌الدین رازی، به خط نسخ، در دوم جمادی‌الاولی ۱۱۱۰ ق استنساخ شده است.

مجموعه دوم، به شماره ۱۳۲۳۴، نسخه خطی نفیسی است که شامل چهار متن رجالی مهم شیعه است که همه آنها در سال ۹۸۸ ق کتابت شده‌اند و به ترتیب عبارت‌اند از: رجال نجاشی، اختیار معرفة الرجال شیخ طوسی، رجال ابن غضائری و رجال شیخ طوسی (شامل اصحاب امام کاظم (علیه السلام) تا امام هادی (علیه السلام)). محل کتابت همه رساله‌های این مجموعه روستای مشهور «جبع» (جباع کنونی)، زادگاه شهید ثانی و حسین بن عبدالصمد (پدر شیخ بهائی) است که در فهرست نسخ خطی کتابخانه، به اشتباه «جبع» خوانده و ضبط شده است.<sup>۳</sup> گفتنی است نسخه رجال نجاشی در این مجموعه، از روی نسخه‌ای به خط ابن طاووس، و آن هم از روی نسخه‌ای به خط ابن ادریس کتابت شده است.

۱ بنگرید: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آية الله نجفی مرعشی، سید احمد حسینی، ج ۱۸، ص ۱۲۶.

۲ «نقله العبد الضعیف علی بن یونس من خط الشیخ الفاضل الکامل نعمة الله بن احمد بن خاتون برسم الشیخ الفاضل والحبر الفاضل الامجد الاوحد ملا عبدالله بن حسین التستری غفر عنه آمین. وقد أجاز لی وأنا عبد الله بن حسین الشوشتری الشیخ الحلیل نعمة الله بن خاتون المذكور جمیع ما صح له روايته فی جبل عامله...»  
 ۳ بنگرید: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آية الله مرعشی نجفی، سید محمود مرعشی نجفی با همکاری میر محمود موسوی، ج ۳۳، ص ۴۴۲-۴۴۶.

- ابن الشعار، المبارك بن احمد، فلانند الجمان في فرائد شعراء هذا الزمان، تحقيق: كامل سلمان الجبوري، بيروت: دار الكتب العلمية، ٢٠٠٥م.
- ابن المستوفى، المبارك بن احمد، تاريخ اربل، تحقيق: بشار عواد معروف وصلاح محمد جزار، تونس: دار الغرب الاسلامي، ط١، ١٤٣٤ق / ٢٠١٣م.
- افندي، ميرزا عبدالله، رياض العلماء وحياض الفضلاء، تحقيق: السيد احمد الحسيني، قم: مطبعة الخيام، ١٤٠١ق.
- الامين، السيد محسن، اعيان الشيعة، تحقيق: حسن الامين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ١٤٠٣ق / ١٩٨٣م.
- البرقي، احمد بن محمد، المحاسن، تصحيح: جلال الدين محدث، قم: دار الكتب الاسلامية، ١٣٧١ق.
- التفرشي، السيد مصطفى بن الحسين، نقد الرجال، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث، ١٤١٨ق.
- الجزري، محمد بن ابراهيم، تاريخ حوادث الزمان، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري، صيدا وبيروت: المكتبة العصرية، ط١، ١٤١٩ق / ١٩٩٨م.
- الحرّ العاملي، محمد بن الحسن، امل الآمل، تحقيق: السيد احمد الحسيني، قم: كتابخانه عمومی آية الله نجفی مرعشی.
- حسيني، سيد احمد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آية الله نجفی مرعشی، ج١٨.
- الذهبي، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والأعلام، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: دار الغرب الاسلامي، ١٤٢٤ق / ٢٠٠٣م.
- الذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، بيروت: مؤسسة الرسالة، ط١١، ١٤١٧ق / ١٩٩٦م.
- صدوق، محمد بن علي، الامالي، تهران: كتابچی، ١٣٧٦ش.

- صدوق، محمد بن علي، علل الشرائع، قم: كتابفروشي داوري، ١٣٨٥ش.
- الصفدي، خليل بن ايبيك، تمام المتون في شرح رسالة ابن زيدون، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، صيدا وبيروت: المكتبة العصرية، ١٩٦٩م.
- الصفدي، خليل بن ايبيك، نكت الهميان في نكت العُميان، مصر: المطبعة الجمالية، ١٣٢٩ق / ١٩١١م.
- الصفدي، خليل بن ايبيك، الوافي بالوفيات، بيروت: دار احياء التراث العربي، ط ١، ١٤٢٠ق / ٢٠٠٠م.
- الطهراني، آقابزرگ، طبقات اعلام الشيعة، قم: مؤسسة اسماعيليان.
- الفيروزآبادي، محمد بن يعقوب، المغنم المطابة في معالم طابة، المدينة المنورة، مركز بحوث ودراسات المدينة المنورة، ط ١، ١٤٢٣ق / ٢٠٠٢م.
- الكليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تحقيق: علي اكبر الغفاري، تهران: دار الكتب الاسلامية، چاپ ٣، ١٣٦٧.
- المجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت: مؤسسة الوفاء، ط ٢، ١٤٠٣ق / ١٩٨٣م.
- مرعشي نجفي، سيد محمود و موسوي، مير محمود، فهرست نسخه هاي خطي كتابخانه بزرگ حضرت آية الله مرعشي نجفي، ج ٣٣.
- المهاجر، جعفر، الكراچكي: عصره، سيرته، عالمه الفكري ومصنّفاته، قم: مؤسسة تراث الشيعة، ط ١، ١٤٣٤ق.
- النجاشي، احمد بن علي، رجال النجاشي، تحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ١٤١٨ق.
- النعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبة، تصحيح: علي اكبر غفاري، تهران: صدوق، ١٣٩٧ق
- النهرواني، المعافى بن زكريّا، المجلس الصالح الكافي والأئيس الناصح الشافى، بيروت: عالم الكتب، ط ١، ١٤١٣ق / ١٩٩٣م.
- اليونيني، موسى بن محمد، ذيل مرآة الزمان، حيدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، ١٣٧٤ق / ١٩٥٤م.